



فصلنامه علمی فرهنگی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی
سال هشتم، شماره سیزدهم، بهار ۹۸ - قیمت ۲۰۰۰ تومان



پژ

سال هشتم، شماره سیزدهم، بهار ۹۸

فصلنامه علمی فرهنگی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی

سخن سردبیر ۲

سرمقاله ۳

شناسایی مؤلفه های نظارت مبتنی بر سوء استفاده در میان کارکنان غیر هیأت علمی نظام آموزش عالی ایران (مطالعه موردی: یک دانشگاه) ۴

جزیره تولید علم ۶

مدیریت آموزش چندفرهنگی در مدارس ایران:

فرا تحلیلی کیفی ۸

مقالات به روز مرتبط با رشته مدیریت آموزشی ۱۰

دانشگاه بهتر میشد اگر... ۱۱

منابع کنکور آزمون دکتری مدیریت آموزشی ۱۴

مطلب کوتاهی از کلاس درس "رفتار سازمانی" ۱۶

صاحب امتیاز: انجمن علمی دانشجویی مدیریت آموزشی

استاد راهنما: دکتر هدی السادات محسنی سبلی
راهنمای نشریه: فاطمه فراهانی
مدیر مسئول: عاطفه رضانی
سردبیر: مریم حیدری

طراح و صفحه‌آرا: علیمرتضی عینی
ویراستار: ریحانه السادات فرازانی

هیئت تحریریه: فاطمه فراهانی، عاطفه رضانی،
مریم حیدری، ربابه کریمی

سخن بسرد پیر

بهار فصل شکفتن باورهاست،
فصل دگرگونی برای بهتر شدن،
شکوفایی و طراوت است. با عرض سلام و آرزوی
توفیق خدمت همراهان همیشگی، در سیزدهمین
شماره نشریه مدیریت و برنامه ریزی آموزشی برآنیم تا
برای طالبان علم و دانش موضوعاتی از قبیل: معرفی مقالات به
روز رشته مدیریت آموزشی، معرفی موضوعات به روز رشته،
انتقادات و پیشنهادات و... گرد آوریم تا پلی باشد برای رسیدن به
رسالت موردنظر. نشریه پل در پیوند با فصل زیبای بهار
درصدمتحول سازی اندیشه هایمان برآمده است و این امر جز با
همراهی شما دوستان میسر نخواهد شد. نشریه پل پذیرای نظرات و
پیشنهادات بزرگواران خواهد بود. باشد که خداوند متعال در این
امر یاری گر ما باشد. ودر آرزای اعضای محترم هیئت تحریریه و
همراهان گرامی که ما را در گردآوری این نشریه یاری نمودند
کمال تشکر و قدردانی را داریم.

"مدیران امروز باید ناپیوستگی ها را مدیریت کنند."

دانشتان افزون

مریم حیدری

سر مقاله

نشریه ی پل در شماره ی جدید به وعده های خود عمل کرده و در این شماره از نشریه مطالب بسیار مفیدی را ارائه کرده است. در این شماره از نشریه دنیایی از ایده های ناب علمی در برابر دیدگان شما قرار میگیرد تا دانسته های خود را در زمینه ی پژوهش ها، مقالات و نوشته ها تقویت کنید. رسالت دانشجویان ایجاب میکند تا تمام زندگی علمی خود را با مطالعه ی مطالب مفید گره بزنند تا بتوانند علم خود را به علمی پویا و مفید مبدل سازند و از آن در راستای اهداف بلند مدت علمی استفاده کنند. یکی از مهمترین نکات در نوشتن متون جذاب و گیرا و موثق مطالعه ی آثار نویسندگان دیگر است. پس برای اینکه دانش خود را چه در زمینه کتبی و چه در زمینه شفاهی به طور موثر ارائه دهیم نیازمند مطالعات گسترده در فرهنگ ها و زبان های دیگر هستیم.

نشریه پل با جمع آوری و گلچین مطالب و نوشته های مطرح از نویسندگان بزرگ داخلی و خارجی فرصتی برای خوانندگان خود فراهم آورده است تا با صرف زمان کمتر به بهترین اطلاعات دسترسی پیدا کنند. همراهی شما عزیزان سبب دلگرمی نویسندگان این نشریه خواهد بود و سبب میگردد تا در جمع آوری مطالب بعدی دقت نظر بیشتری داشته باشیم. باشد که روزی همه دست در دست هم پرچم موفقیت را بر بلندای قله های علمی کشورمان برافرازیم.

فاطمه فراهانی



شناسایی مؤلفه های نظارت مبتنی بر سوء استفاده در میان کارکنان غیر هیأت علمی نظام آموزش عالی ایران (مطالعه موردی: یک دانشگاه)

مژده وزیری^۱
ماریا قربانیان^۲

چکیده

هدف از این مطالعه شناسایی مؤلفه های نظارت مبتنی بر سوء استفاده در میان کارکنان غیر هیأت علمی در نظام آموزش عالی ایران بود. در راستای این هدف با استفاده از الگوی نظارت مبتنی بر سوء استفاده لیانگ هو (۲۰۱۷)، دو گروه عوامل شخصیتی مربوط به مدیران (سرپرستان) و عوامل سازمانی اعم از گرایش به سلطه طلبی، احترام درونی ادراک شده، بی ثباتی موقعیتی و انگیزه برای حفظ جایگاه شغلی به عنوان عوامل شخصیتی مدیران (سرپرستان) و همچنین ساختار مکانیکی سازمان و جو خصومت آمیز به عنوان عوامل سازمانی اثر گذار بر نظارت مبتنی بر سوء استفاده مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. به منظور این بررسی، یکی از دانشگاه های جامعه شهر تهران انتخاب گردید. جامعه آماری پژوهش حاضر تمامی کارکنان غیر هیأت علمی دانشگاه مذکور بودند که به گزارش امور اداری و پشتیبانی دانشگاه، جمعاً مشتمل بر ۴۴۱ نفر، اعم از کارکنان صف و ستاد می باشند که از این تعداد ۲۰۰ نفر با استفاده از فرمول کوکران به عنوان نمونه پژوهش انتخاب گردید. اطلاعات دریافت شده الگوی لیانگ هو را حمایت و تأیید کرد. اولین پیش بینی کننده نظارت مبتنی بر سوء استفاده، بی ثباتی موقعیتی بود. همچنین متغیرهای ساختار مکانیکی و گرایش به سلطه طلبی مدیران از دیدگاه دو گروه کارکنان صف و ستادی مورد مطالعه تفاوت معنی داری با یکدیگر داشتند.

واژگان کلیدی: نظارت مبتنی بر سوء استفاده، مدیران مراکز آموزش عالی، کارکنان غیر هیأت علمی

بحث و نتیجه گیری

مفهوم نظارت مبتنی بر سوء استفاده، بیان می دارد که همیشه رفتار فرانش انتخاب آزاد فرد نیستند، بلکه ممکن است به وسیله یک مدیر سودجو و سوء استفاده گر تحمیل شوند. اگرچه نظارت مبتنی بر سوء استفاده، پدیده ای است که زیاد دیده نمی شود، ولی اثرات آن قابل توجه است. در این مطالعه با استفاده از مدل نظارت مبتنی بر سوء استفاده لیانگ هو (۲۰۱۷) عوامل مؤثر بر این نوع نظارت در یک سازمان آموزشی مورد بررسی

قرار گرفت. یافته های پژوهش حاضر نشان داد که ویژگی های شخصیتی مدیران (سرپرستان) اعم از گرایش به سلطه طلبی، احترام درونی ادراک شده و بی ثباتی موقعیتی بر روی انگیزه برای حفظ موقعیت شغلی شان اثر گذار است. از سوی دیگر هر دو ساختار سازمانی مکانیکی و جو خصمانه، شرایطی را فراهم می کنند که تحت آن نظارت سوء استفاده به عنوان یک وسیله قانونی برای حفظ موقعیت مدیران (سرپرستان) در سازمان ایفای نقش

۱. استادیار و عضو هیأت علمی گروه مدیریت و برنامه ریزی آموزشی دانشگاه الزهراء (س)
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه الزهراء (س)

می شود. با ایجاد یک مدل جامع که نشان می دهد چرا، چگونه و چه زمانی مدیران (سرپرستان) رفتارخوشونت آمیز نسبت به زیردستان خود نشان می دهند می توان الگوی مناسبی را برای جلوگیری از این نوع رفتارها در سازمان فراهم ساخت.

قرار گرفت. به نظر می رسد مدیران (سرپرستان) زمانی که موقعیت شغلی خود را در خطر می بینند انگیزه بیشتری برای حفظ جایگاه شغلی خود پیدا می کنند چنین تهدید های قدرت به طور معمول از دو منبع اصلی بوجود می آیند: بی ثباتی موقعیتی و احترام درونی ادراک درک شده. علاوه بر این، این انگیزه در شرایطی که ساختار سازمان از نوع مکانیکی و جو سازمانی خصومت آمیز باشد احتمال بروز نظارت مبتنی بر سوء استفاده بسیار بالا خواهد بود. در چنین سازمان هایی، نظارت مبتنی بر سوء استفاده بیشتر به عنوان یک سبک رهبری مشروع شناخته

می کنند در نتیجه، ساختار سازمانی و جو خصمانه ارتباط بین انگیزه برای حفظ جایگاه شغلی و نظارت مبتنی بر سوء استفاده را تقویت می کند به این ترتیب، این شرایط سازمانی، نقش میانجیگر را بین گرایش به سطله طلبی و نظارت سوء استفاده به عهده خواهد داشت. با توجه به آنچه که گفته شد به نظر می رسد نظارت مبتنی بر سوء استفاده برای سازمان ها زیان آور است. علیرغم افزایش توجه به نظارت مبتنی بر سوء استفاده، شناخت کمی در مورد اینکه چرا مدیران (سرپرستان) در چنین رفتارهایی به طور مداوم درگیر هستند، شناخته شده است. در این پژوهش با استفاده از مدل نظری روابط بین ویژگی های روان شناختی و عوامل سازمانی دخیل در این نوع نظارت در سازمان مورد بررسی

جزیره تولید علم

گردآورنده: عاطفه رضائی

افول برخی شاخص‌های مهم و بهبود نیافتن مسائل مزمن شده جامعه ایران و در همان حال افزایش تولید مقالات نشانه چیست؟ دو فرضیه می‌توان مطرح کرد که بررسی اولیه هر کدام از آنها ضرورت بازنگری در نظام علمی را آشکار می‌سازد. فرضیه اول، علمی که تولید می‌شود، نسبتی با مسائل جامعه ندارد، لذا بی‌تقاضا باقی می‌ماند و بخش عمده‌ای از آن صرفاً به واسطه تأمین مالی برآمده از اقتصاد نفتی تولید می‌شود و کارکردی معطوف به بیرون از نظام دانشگاهی ندارد. این بی‌گمان بخشی از واقعیت نظام علمی در ایران است. عمده دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و سایر اصلی‌ترین نقاط تولید علم صرف‌نظر از این که تقاضایی برای کارشان وجود داشته باشد یا نباشد، به کار خود ادامه می‌دهند و به همین سیاق است که در همه سال‌هایی که اقتصاد ایران به واسطه رشد اقتصادی منفی کوچک

کمتر، بیکاری و تورم بیشتر شده است؛ و همین‌طور الی آخر در عرصه‌های دیگر نیز ارتباطی میان رشد تعداد مقالات و وضعیت واقعی مشاهده نمی‌شود. تعداد مقالات ثبت شده از ایرانیان در پایگاه SciMago نشان می‌دهد که رتبه ایران از ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۷ از ۱۶ به ۵۲ مقاله بهبود یافته است، اما دوسوم این دوره متناظر با رشد اقتصادی منفی یا بسیار اندک، بیکاری دورقمی، تورم دورقمی، تخریب گسترده محیط‌زیست، افزایش آسیب‌های اجتماعی و کاهش سرمایه اجتماعی و افزایش یأس و سرخوردگی در اکثریت جامعه بوده است. این‌جاست که مفهوم «جزیره تولید علم» خودش را به معنای واقعی نشان می‌دهد. اگر نوشتن مقاله را بتوان «تولید علم» خواند - که اکنون چنین روایتی بر نظام علمی حاکم است - آن‌گاه باید درباره نسبت این علم و جامعه پرسش کرد.

یکی از معضلات اساسی نظام علمی در ایران تولید علم بی‌تقاضاست. تولید علم بی‌تقاضا هم به همان اندازه تولید کالای بی‌تقاضا هدر دادن منابع و به تدریج ضایع کردن نظام تولید است. تولید علم بی‌تقاضا در نهایت به پیدایش «جزیره تولید علم» جایی خواهد انجامید. «جزیره تولید علم» جایی است که آن‌چه علم پنداشته می‌شود، بدون ارتباط معنادار با سایر عرصه‌ها، تولید و منتشر می‌شود اما اثر بیرونی معناداری بر توسعه باقی نمی‌گذارد و از آن‌جا که از اثرگذاری بر عرصه‌های دیگر بازمی‌ماند، به تدریج خودش به هدف بدل می‌شود. واقعیت آن است که در همه سال‌هایی که تعداد مقالات مرتبط با مدیریت منابع آب ایرانیان - فارسی و بالخصوص انگلیسی - در مجلات علمی رشد کرده، کسری آبخوان‌ها هم افزایش می‌یافته؛ هر قدر مقالات اقتصاددانان بیشتر شده، رشد اقتصادی



انزوای علم از جامعه و فقدان تأثیرگذاری
اثربخش و سازنده آن بر توسعه ملی را باعث
می‌شوند. سالیان دیگری نیز می‌تواند به
همین منوال بگذرد و کماکان شاخص‌های
ناظر بر سنجش تعداد مقالات منتشرشده
دانشگاهیان را شاهد باشیم و در عین حال،
شاخص‌های توسعه ملی - نظیر رشد
اقتصادی، بیکاری و تورم - بهبود نیابند یا
حتی بدتر شوند. این وضعیت اما برای همیشه
قابل دوام نیست. جزیره تولید علم بالاخره باید
زمانی به سایر عرصه‌های حیات اقتصادی،
اجتماعی و سیاسی پیوند بخورد یا خطر
اضمحلال را پذیرا باشد.

محمد فاضلی
عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

به علم را کاسته است. این امر در قبال
بخش خصوصی و بخش‌های مهمی از اقتصاد
ایران نیز به این گونه مطرح می‌شود که
سطح پیچیدگی اقتصاد به اندازه‌ای پایین
است که تولید و بازتولید را از نیازمندی به
تولید علمی سطح بالا بازداشته است. اقتصاد
و حتی سیاست‌گذاری عمومی درگیر
مسائلی آن‌قدر ابتدایی است که نیازمندی به
دانش و علم تولیدشده در دانشگاه احساس
نمی‌کند.

هر دو فرضیه به درجاتی صحیح هستند و
این امر وضعیت «جزیره تولید علم» را
تقویت می‌کند. علم بالاخص در نظام
دانشگاهی برای بازتولید سازمانی خود خیلی
نیازمند پاسخ‌گویی به نیازهای محیط اطراف
نیست و تقاضای مؤثری نیز برای تولید
دانش وجود ندارد. هر دو حالت در نهایت

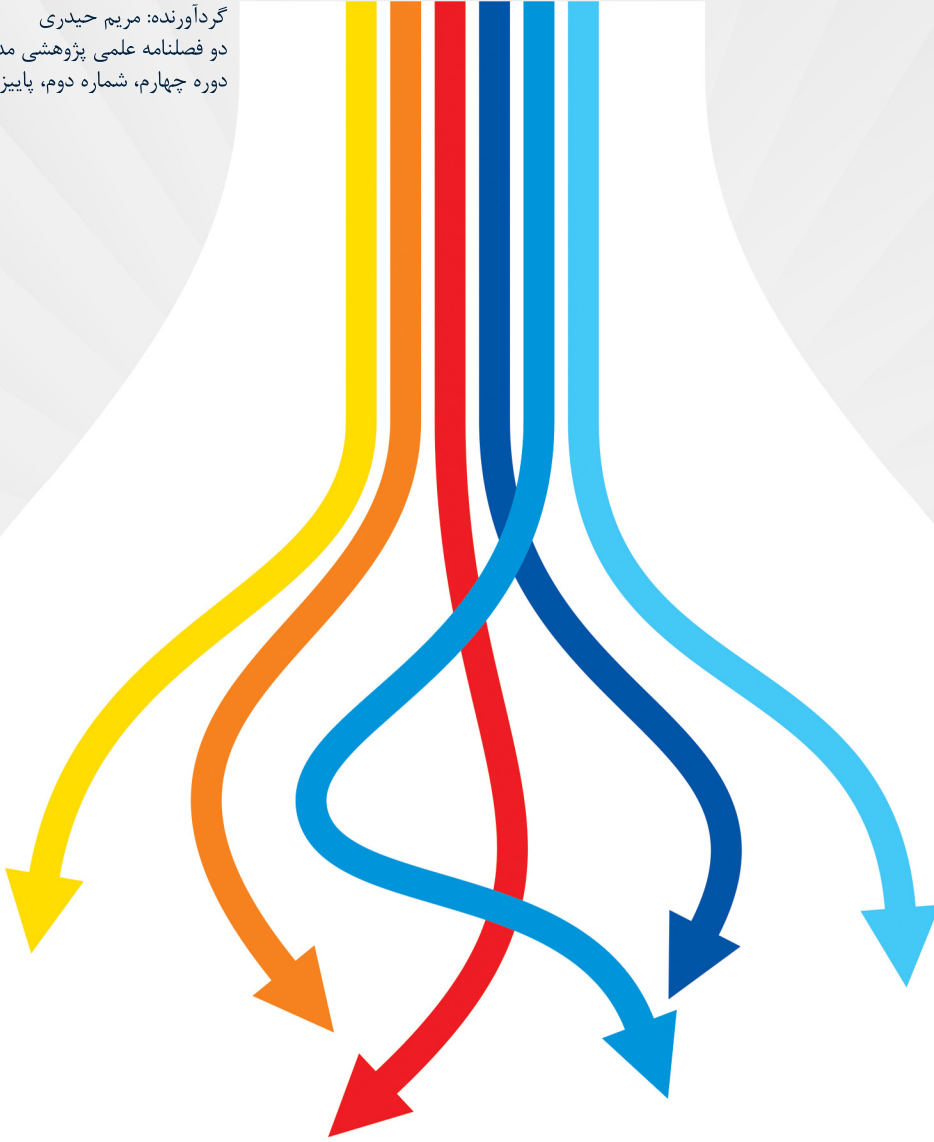
می‌شده، دانشگاه رشد کمی داشته و بزرگ
شده است.

فرضیه دوم، تولید اقتصادی و حتی تولید و
ثبات قدرت تابع علمی نیست که در دانشگاه
تولید می‌شود. این بدان معناست که قدرت
سیاسی به عنوان اصلی‌ترین نیازمند به علم
برای تولید قدرت و ثروت، و همچنین بقیه
بخش‌های اقتصاد، به میزانی که در
کشورهای سرآمد اقتصادی جهان به علم نیاز
است، در این‌جا به علم نیازی ندارند.
سازوکارهای تولید و بازتولید قدرت و ثروت،
تابعی از کیفیت عملکرد نظام علم نیست.
وابستگی به منابع ثروتی نظیر نفت - که
قدرت سیاسی را بازتولید می‌کند - یا تأمین
نیازهای فناورانه از خارج به کمک درآمد‌های
نفتی، و حتی زاویه داشتن ایدئولوژی قدرت
سیاسی با رویکردهای علمی، نیاز حکمرانان





گردآورنده: مریم حیدری
دو فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت مدرسه
دوره چهارم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵



مدیریت آموزش چندفرهنگی در مدارس ایران: فراتحلیلی کیفی

نویسندگان: شیرکوه محمدی، سیدعلی نقی
کمال خرازی، محمد کاظمی فرد، جواد پورکریمی

بخشی از چکیده

امروزه نظریه پردازان و محققان، یادگیری و تربیت را مقوله فرهنگی می دانند و باور بر این است که یادگیرنده، محتوای آموزشی را در بافت فرهنگی خویش دریافت و تفسیر می کند. از آنجا که یادگیرنده ممکن است به گروه های فرهنگی مختلفی تعلق داشته باشد، بافت فرهنگی یکپارچه و یکدست نیست و بدین ترتیب، آموزش چندفرهنگی ضرورت پیدا می کند. این پژوهش به بررسی روش شناختی و محتوایی پژوهش هایی که در ایران به بررسی کم و کیف مدیریت آموزش چندفرهنگی در مدارس پرداخته اند، وارد عمل شده است تا نظریه زیربنایی آن ها را مشخص کند. روش پژوهش، فراتحلیل کیفی است که ۲۶ پژوهش انجام شده در ایران را بررسی توصیفی و ارزیابی کرده است. یافته ها بیانگر این است که نه تنها پژوهش درباره آموزش چندفرهنگی برای بسیاری از پژوهشگران ایرانی مقوله ای نسبتاً جدید است بلکه پژوهش های انجام گرفته دچار نارسایی های کمی و کیفی متعددی هستند که لازم است در تحقیقات آتی جبران شود.

بحث و نتیجه گیری

حوزه علوم تربیتی و اجتماعی، هنوز به عنوان مسئله ای مهم مطرح نشده است. در نهایت راهکارها و پیشنهادهایی توسط پژوهشگران مختلف برای مدیریت آموزش چندفرهنگی ارائه شده است که بیشتر متمرکز بر راهکارهای کلان است. اکثر این پژوهشگران بر این باورند که تغییر وضعیت موجود در گرو انجام تغییرات اساسی در سیاست های کلان فرهنگی و همچنین توجه بیشتر به اقلیت ها است. سیاست های فرهنگی کشور باید از حالت تک صدایی و مهندسی فرهنگی به سمت چند صدایی حرکت کند در مقابل به دلیل متمرکز بودن ساختار مدیریت این نظام، مدارس و نهادهای استانی اختیارات لازم و قانونی را برای این تغییرات ندارند.

نظام پژوهشی کشورمان تبدیل شود؛ بنابراین لازم است پژوهش های گسترده تری به بررسی جوانب مختلف این مقوله بپردازند و با برگزاری همایش هایی در ارتباط با آموزش چندفرهنگی، محققان را به تحقیق و تفحص در این باره تشویق نمایند. از نظر کیفی نیز کاستی های فراوانی در پژوهش های مربوط به این بحث به چشم می خورد. اگرچه اساتید و دانشجویان سهم نسبتاً متعادلی در انجام این پژوهش ها داشته اند و گروه اکثریت جامعه (پژوهشگران فارس زبان، اهل تشیع و مردان) نقش مهمی در پژوهش های آموزش چندفرهنگی ایفا کرده اند، سهم اقلیت های فرهنگی و مذهبی بسیار ناچیز است که نشان می دهد این مسئله برای بسیاری از پژوهشگران

اولین پژوهش حول این موضوع به سال ۱۳۸۸ بر می گردد. این در حالی است که در کشورهای دیگر نزدیک به نیم قرن است که درباره آموزش چندفرهنگی تحقیق می شود. تنها ۲۶ پژوهش در قالب های مختلف پایان نامه، مقاله علمی پژوهشی و همایشی در مدارس ایران انجام گرفته است و جالب آن که از سال ۱۳۸۸ به بعد، به استثنای سال ۱۳۹۲ که همایشی درباره آموزش چندفرهنگی برگزار شده است، پژوهش هایی که در هر سال به بررسی آموزش چندفرهنگی پرداخته اند، محدود و انگشت شمارند و سیر نزولی داشته اند. به گمان پژوهشگر، اگر وضعیت بدین گونه پیش برود، ممکن است که مسئله آموزش چندفرهنگی نیز به مسئله ای مغفول در



مقالات به روز مرتبط با رشته مدیریت آموزشی

1. The difference between educational management and educational leadership and the importance educational responsibility

Connolly- Micheal-games-chris-fertig-micheal
December 2017

2. Rethinking educational leadership in the margins: youth, parent and community leadership for equity and social justice

Rodela-Katherinec-Bertrand\melanie
March 2018

3. Developing generic skills art an islami higher education institution curriculum in aceh, Indonesia

Safrul muluk- muji burrahman- Teulka zulfikar-
Janice orrell
2019

4. Is the character of institutional Leadership Central to the Quality of Higher education (HE) management?

Nwachukwu Prince Ololube
2017

5. New public Management in education: a call for the Edupreneurial Leader?

Petros Pashiardis, Stefan Brauckmann
2018

6. Leading Low Performing Schools in Cyprus: Finding Pathways Through Internal and External Challenges

Petros Pashiardis, Stefan Brauckmann, Antonios Kafa
2018

7. Open education and the sustainable development goals: Making change happen

Andy Lane
2017

8. Toward framework of Leader character in organizations

Mary M Crossan, Alyson Byrne, Gerard H Seijts,
Mark Reno, Lucas Monzani, Jeffrey Gandz
2017

9. The entanglement of leader character and leader competence and its impact on performance

Rachel E Sturm, Dusya vera, Mary Crossan
2017

10. Exploring Knowledge creation processes as a source of organizational learning: A longitudinal case of a public innovation project

Jacob Brix
2017

گردآورنده: عاطفه رضانی

دانشگاه بهتر می‌شد اگر..

می‌بودیم، اگر نظام آموزشی مان درست می‌بود، اگر بهمان می‌گفتند که قبل ورود به آن رویا پردازی نکنیم، اگر قبلش در مدرسه خیلی مطالب را آموزش میدادند اگر چالش‌های زمان مدرسه به خوبی رفع میشد و با حفظ مطالب الکی اوقاتمان پر نمیشد اگر ...

دانشگاه بهتر میشه اگر جای اساتید جزوه منتشر کن، بزارن ما صنعتگر ها نیاز جامعه و نوع تفکر برآورده کردنش رو به دانشجو توضیح بدیم، این حداقل حقوق یک دانشجو هست که بدون بعد اتمام تحصیل، چه تکلیفی در مقابل سرزمین خودش بر عهده داره. دانشگاه از سیستم ترمی واحدی به سیستم کتابی واحدی تغییر کنه؛ یعنی در مقطعی مثل کارشناسی ۱۰۰ کتاب درسی منع باشه و با کامل تموم شدن کتابا مقطع کارشناسی تموم بشه.

هیچ کلاسی هشت صبح برگزار نشه
اگه از درسا لذت ببریم و انقدر تحصیل بیهوده و بی هدف نباشه.
اندیشیدن آموخته بشه.

اگه نمره محور و جزوه محور نباشه.
دانشگاه بهتر میشه اگه بتونه مثل یه صنعت از خودش پول تولید کنه و برای ارتقاش دانشگاه استفاده کنه در همه زمینه‌ها.
اگه وقتی دانشجو میپذیرن واسه چهارسال بعدش برنامه داشته باشن... نه اینکه درسش رو که تموم کرد حالا دانشجو کاسه ی چه کنم چه کنم دست بگیره.

اگه مسئولین دانشگاهامون خودشون رو وقف دانشجو میکردن من دانشجو در قامت یک انسان از خود گذشته خودمو وقف کشور و ملت می‌کردم. با اینکه جاهایی امید با اگر میاد به امید روزای خوب اگه هرکی خدمت در دانشگاه میکنه بدون درستی انجام دادنش نقش اساسی در آینده دانشجو داره.
جای خوبی میشد اگر در آن خوابمان نگیرد، اگر جستجو گر



اگر کمی تجربی و عملی تدریس بشه، یعنی همون چیزی که باید تو محیط کار انجام بدیم.

اگه سهمیه های جور واجور .. ظرفیت های بیش از حد وقتی صنعت و تولید نیست حذف شوند.

نصف دروس به صورت کارگاه عملی باشه و هر ترم جلسات هم اندیشی و طرح های نوآورانه برگزار بشه و هر ترم یک اردوی علمی ببرن.

دانشگاه بهتر میشه اگر تمام مفاهیم تئوری که در تمام مقاطع بهمون تعلیم داده شده، جنبه آموزش عملی و کاربردی هم پیدا بکنه و در نهایت تبدیل به علمی بشه که در زندگی شخصی افراد باعث رشد و تعالی فرد در تمام جنبه های زندگیش بشه، نه فقط مدرک گرایی صرف. دانشگاه بهتر میشه وقتی که همه قانون هاش یکسان باشه برا همه، وقتی که هدفش رو صرف تربیت دانشجو هایی تشنه علم و اخلاق کنه و با عشق و جون دل درس بخونن و امید به آینده داشته باشن. دانشگاه بهتر میشه اگر به جای مفاهیم تئوریک بی کاربرد بیشتر به جنبه های عملی و یادگیری در عمل و کسب تجربه پرداخته میشه. پروژه محور بشه

به جای نشستن در کلاس و بحث کردن دنبال یه موضوع خاص رفتن مطرح بشه.

دانشگاه بهتر میشه زمانی که دانش گاه باشه و دانشجو، دانش جو بشه و چون استاد صرفا کتاب محور شده و نه دانش محور طبیعتا دانشجو هم در جستجوی جزوه خواهد بود نه دانش.

ازواقعیت دور نشه.

دانشگاه بهتر میشه اگر "دروس آموزشی به جای کلاس، داخل کارگاه ساختمانی، بازار بورس، بیمارستان و... برگزار میشه.

دانشگاه بهتر میشه اگر جامعه به تعالی ای میرسید که نیازی نبود همه ی اعضای آن جامعه، برای داشتن مقبولیت نسبی، مدرک تحصیلی میگرفتند در چنین شرایطی فقط کسانی که مسیر شغلی و حرفه ای شان رو در تحصیلات می دیدند وارد دانشگاه می شدند و چون دیدگاه آن ها دیدگاه مدرک گرایی نبود بلکه دیدگاه علم آموزی بود، دانشگاه رشد میکرد و چون همه دانشجویان، پویا و طالب علمی بودند که برای آن وارد دانشگاه می شدند و اعضای دانشگاه هم به نوبه ی خودشون روی هم تاثیر می گذاشتند و روز به روز محیط پویاتر میشد... اما در حال حاضر حتی خیلی از دانشجویان فعال وقتی وارد دانشگاه می شوند تحت تاثیر دیدگاه های صرفا مدرک گرایی، ناپویایی و بی هدفی های بقیه دانشجویان قرار می گیرند و این خودش عامل مضاعفی برای رخوت روحیه علمی میشه. اگه استعداد دانشجو کشف بشه و بهش گفته بشه که در چه چیزی استعداد داره و بهش کمک بشه از طریق معرفی نامه رسمی دانشگاه مشغول به کار بشه بعد از تحصیل.

اگر با صنعت مرتبط بشه و اساتید دانشجوهارو در پروژه هاشون درگیر کنن به قصد آموزش و درآمد زایی هم برای دانشگاه هم برای دانشجو هم برای کشور.

اگر هر کسی تو حوزه ای که بهش علاقه داره فعالیت کنه.

دانشگاه بهتر میشه اگر امکانات آموزشی خوب، اساتید با مهارت تدریس قوی، امکانات رفاهی مناسب و برابر برای همه دانشجویان فراهم بشه، از همه مهمتر اگر دانشجویان هم اهتمام بیشتری به مطالعه درسی و غیردرسی داشته باشند، علاوه بر این یککاش تعدادی کارشناس و مددکار دانشجویی با اختیاراتی از طرف دانشگاه هم بودند که به دانشجویها در مسایل مختلف مشاوره و کمک میکردند! کلا باید حس ارزشمند بودن از طرف دانشگاه به دانشجو منتقل بشه که متاسفانه خیلی نادره. اگه فقط اونایی که مایل به ادامه تحصیل هستن بیان دانشگاه و این جو مدرک گرایی از بین برود.

؛وقتی تعامل با دانشگاه های خارج از ایران صورت بگیره بصورت تبادل استاد و دانشجو و دوره ها... .

دانشگاه بهتر میشه اگر دانشجویان در اداره آن واقعا سهیم باشند. اگر هیئت های علمی جوان باشند تا درک بهتری از اوضاع پیدا کنند، بهتر میشه اگر برای همه اقشار (فقیر و غنی) باشد. بهتر میشه اگر به صنعت و بازار نزدیکتر شود. و واقعا بهتر میشه اگر سربازی نباشد و دانشجو فارغ از این مسئله (به دلخواه) به دانشگاه بیاید.

اگه بخوایم شعار ندیم دانشگاه بهتر میشه اگه انسان ساز باشه که تنها با فراهم کردن شرایط مساعد روحی و روانی امکان پذیره. دانشگاه بهتر میشه اگه اساتید با دانشجو احساس رفاقت بهشون دست بده و از بالا به پایین نگاه نکنند. دانشگاه بهتر میشه اگه دانشجو واقعا دانش بجوید و برای وقت گذرونی به دانشگاه نیاد و به قول دکتر گلشنی دغدغه ی خدمت به بشریت رو داشته باشه. دانشگاه بهتر میشه اگه بعد از فارغ التحصیلی دانشجو اون فرد وظایفی رو برای خدمت به بشریت خودش به خودش تحمیل کنه و براش مهم نباشه کجای این مرزها قراره زندگی کنه و فقط این مد نظرش باشه که خدای همه انسان ها یکیه.

نمره آخر ترم ملاک نبود، کارآموزی ها سوری نبود و آموزش ها، کاربردی بود.

اگه وقتی دانشجو فارغ التحصیل میشه خودش شغل مرتبط با تحصیلش را ایجاد کنه، نه اینکه دنبال کار بگرده.

اگه ظرفیت ها پایین بیاید و ورودی با خروجی اشتغال زایی برابر شود. دانشگاه بهتر میشه اگر آزمایش هایی علمی و عملی در همه رشته ها با هدف تولید دانش و بهبود شرایط زندگی انسان ها داشتیم و با دانشگاه های جهان ارتباط مفید و موثر و همچنین رقابت می داشتیم

اگر دانشگاه و اساتید نسبت به آینده دانشجویها احساس مسئولیت کنن و هدایتشون کنن به سمت هدف مناسب. نه اینکه هیچ کس ایده ای از هدفش در آینده نداشته باشه

دانشگاه بهتر میشه اگر با ایجاد دموکراسی بستر سالم را در خصوص برگزاری انتخابات و تعیین روسای دانشکده ها توسط دانشجویان که این مهم میتونه باعث بهبود عملکرد رییس دانشکده مربوطه با توجه به مقبولیت اکثریت دانشجویان و همچنین ایجاد انگیزه و رقابت بین اساتید و پاسخگویی شفاف تر به دانشجویان گردد و همچنین انتقاد دیگر، اهمیت ندادن به کسب مهارت عملی دانشجو در مقابل تئوری محور بودن دروس فنی از هر گرایش آن است.

اگر دانشجو علاوه بر داشتن توانایی حل مسئله، مهارت عملی هر چند پایه ای در حیطه ای خاص مرتبط با رشته و گرایش داشته باشد، به همین جهت افزایش تعداد آزمایشگاه ها در زمینه های تخصصی و همچنین برنامه ریزی برای دعوت از افراد ماهر مشغول به کار در صنعت برای آموزش مهارت ها به دانشجویان، باعث می شود دانشجو بیش از پیش پیگیر مطالب تئوری در حین آموزش عملی و فهم ارتباط بین این دو شود و درعین حال انگیزه و علاقه بیشتری به رشته خود پیدا کند.

به امید بهبود دانشگاه ها.

منابع کنکور آزمون دکتری مدیریت آموزشی

- مبانی نظری پژوهش، علی دلاور
- روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، حسن پاشا شریفی و نسترن شریفی
- روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی، گال، ترجمه احمد رضا نصر و همکاران، دو جلد
- روش‌های تحقیق و ارزشیابی آن‌ها در علوم انسانی، دکتر نادری و سیف نراقی
- مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، دکتر علی دلاور، انتشارات رشد
- روش‌های تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی، دکتر دلاور، انتشارات ویرایش
- روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی، علی دلاور، نشر ارسباران
- مبانی پژوهش در علوم رفتاری ۲ جلد، کرلینجر، ترجمه پاشا شریفی و نجفی زند، انتشارات فرا روان
- شناخت روش علمی در علوم رفتاری (پایه‌های پژوهش)، دکتر حیدر علی هومن، انتشارات پارسا
- آمار و روش تحقیق: روش تحقیق در علوم رفتاری، دکتر سرمد، حجازی و بازرگان، انتشارات آگاه
- روش تحقیق، بیابانگرد، جلد ۱ و ۲
- استدلال آماری در علوم رفتاری، ریچارد شیوسون، ترجمه علی رضا کیامنش
- آمار توصیفی ۲ جلدی، دکتر کیامنش
- آمار استنباطی ۲ جلدی، دکتر کیامنش
- روش‌های آماری در روانشناسی و علوم تربیتی، دکتر دلاور، انتشارات پیام نور
- تحلیل آماری در روانشناسی و علوم تربیتی، فرگوسن، ترجمه دلاور و نقشبندی، انتشارات ارسباران
- احتمالات و آمار کاربردی در روانشناسی و علوم تربیتی، دلاور، انتشارات رشد
- آمار و احتمالات آماری در روانشناسی، علی دلاور
- استنباط آماری در پژوهش رفتاری، هومن، انتشارات سمت
- روش‌های آماری، پاشا شریفی

آمار و روش
تحقیق

مجموعه دروس
تخصصی در سطح
کارشناسی

-مدیریت آموزشی ، علی علاقه‌بند
 -مدیریت آموزشی و آموزشگاهی، بهرنگی
 -مبانی نظری و اصول مدیریت آموزشی، علی علاقه‌بند
 -مقدمات مدیریت آموزشی، علی علاقه‌بند
 -سازمان‌ها و سیستم‌های حقیقی - حقوقی و باز ، مترجم: دکتر بهرنگی
 -مدیریت رفتار سازمانی، هرسی و بلانچارد، مترجم: علی علاقه‌بند
 -مدیریت عمومی، علی علاقه‌مند
 - مدیریت آموزشی، علی شیرازی
 - مدیریت آموزشی، میر کمالی

مبانی فلسفی و
 نظری مدیریت
 آموزشی

- مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری، بی.آر. هرگنهان و متیواج. السون، علی اکبر سیف، انتشارات آگاه

نظریه‌های
 یادگیری

مجموعه دروس
 تخصصی در سطح
 کارشناسی ارشد

-الگوهای یادگیری ابزارهایی برای تدریس، تالیف بروس جویس، امیلی کالهن و دیوید
 هایپکینز، ترجمه دکتر محمود مهرمحمدی و دکتر لطفعلی عابدی، انتشارات سمت
 کلیات روش‌ها و فنون تدریس، تالیف دکتر امان الله صفوی، نشر معاصر -
 مهارت‌های آموزشی و پرورشی، دکتر حسن شعبانی، انتشارات سمت -
 -الگوهای جدید تدریس ۲۰۰۴، جویس بروس و ریل مارشا، ترجمه محمدرضا بهرنگی
 -روش‌ها و فنون تدریس، شعبانی
 - روش‌ها و فنون تدریس، اسکندر فتحی آذر

نظریه‌های
 آموزش

مطلب کوتاهی از کلاس درس "رفتار سازمانی"

نویسنده: ربابه کریمی

استاد بودن در انحصار معلومات نیست، بلکه افزودن بر معلومات و تخصص دیگران است. نخستین و اساسی ترین نشانه ی یک مدرس نمونه، برخورداری از سوز و گداز «انسان سازی» است. تنها عده معدودی از انسانها هستند که همه وجودشان سرشار از سوز و گداز سازندگی است. این افراد عاشق تربیت هستند، یکی از این انسان های فرهیخته را ما در کلاس رفتار سازمانی خود داشتیم که غیر از تدریس خویش از هدایت فردی همه دانشجویان به شادی دست می یافت. استادی که در بین خود و دانشجویان روابط عاطفی خوبی برقرار کرده بود.

در این کلاس شیوه تدریس به صورت مشارکتی بود و همه خود را در انتقال اطلاعات سهیم می دانستند و هر یک از دانشجویان یک مبحث را داوطلبانه انتخاب می کردند و ارائه می دادند از قبیل (مدیریت خشم، استرس، رفتارهای شناختی، نحوه نفوذ در قلب دیگران.....) و از این طریق نحوه ادراک و نگرش خود را نسبت به افراد، گروه ها و سازمان ها بررسی می کردیم در واقع به یک شناخت بسیار کلی و وسیع نسبت به خود که حتی تا به حال به آن توجه نکرده بودیم دست یافتیم. گذشته از همه این ها صحبت ها و اندرز های استاد تاثیر بسیار مثبتی بر زندگی ما از جمله خود بنده گذاشت که همه ی دیدگاه و حس سختی که نسبت به مقطع ارشد یا کلاس های درس داشتیم از بین رفت و در آخر، لبخند دلنشین استادم که محیط را آرام می کرد.

(با تشکر از استاد توانمند و فرومایه ام دکتر هدی سادات محسنی).

صاحب امتیاز: انجمن علمی دانشجویی مدیریت آموزشی

نویسنده عاقل برای جوانان نسل خود، منتقدان نسل
بعدی و آموزگاران بعد از آن می نویسد.